

◻نیم‌نگاه

بی‌اعتمادی به آموزش نظامی آمریکا

آموزش‌های نظامی اخیر در پاکستان برای مبارزه با طالبان و القاعده گرچه نشان از همکاری‌های تازه میان پاکستان و آمریکا دارد اما محدودیت‌های زیادی نیز به همراه دارد.

نزدیک به ۲۵۰ شبه‌نظامی با یونیفورم‌های نظامی و کلاه بره سبز بعد از تمام شدن آموزش‌های ویژه نظامی که توسط سرهنگ‌های آمریکایی آموزش داده می‌شود به عنوان تک‌تیرانداز و گروه‌های تیراندازی به مرزها می‌روند.

اما این مرکز جدید با ۲۰ مایل فاصله از مرز افغانستان برای تربیت دو هزار سرباز یکجا ساخته شده است.
مجموع این آموزش‌ها ۱۰ هفته به طول می‌انجامد و فرماندهان پاکستانی می‌گویند نمی‌توان در زمانی کوتاه‌تر افراد آموزش‌دیده را به مرزها فرستاد و مراکز جدیدی ایجاد کرد.
به علاوه اینکه پاکستان تعداد مربیان آمریکایی را که در سراسر خاک پاکستان حضور دارند به ۱۲۰ نفر محدود کرده است.
ترس از بیش از حد نزدیک بودن به ایالات متحده که در این منطقه محبوبیتی ندارد دلیل این سیاست است.
افسر ارشد پاکستان می‌گوید: حتی اگر آمریکایی‌ها سالانه یک میلیارد دلار هزینه عملیات نظامی خود کنند ما می‌خواهیم کمتر در دید باشیم.

بدگمانی عمیقی که زمینه تمام حرکات آمریکا در اینجاست در حقیقت از زمانی آغاز شد که ایالات متحده کمک‌های نظامی خود را به پاکستان به دلیل برنامه سلاح‌های هسته‌ای آن کاهش داد.

این بدگمانی‌ها از دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی آغاز شد. هنگامی که آمریکا با قطع روابط نظامی با پاکستان به قول رابرت گیتس دچار یک اشتباه راهبردی شد و پاکستان احساس کرد با تکبر و بی‌تفاوتی توسط آمریکایی‌ها رها شده است. قطع همکاری‌های دو کشور خود را دلیلی شد تا تندروهای اسلامگرا توجیهی برای فعالیت و مبارزه داشته باشند.امروز جنگ به رهبری ایالات متحده در افغانستان و پرواز هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی که در مناطق مرزی پاکستان گشت‌زنی می‌کنند، ایالات متحده را میان مردم ضدامریکایی پاکستان که در اینز ارتفاعات زندگی می‌کنند در تمام سطوح نظامی به مظنون تبدیل کرده است. این آموزش‌های نظامی در مرحله اول ا حدی باعث بهبود روابط شد. سرهنگ کورت سونتگ مربی بخش‌های غربی می‌گوید: این پیچیده‌ترین عامل محیطی‌ای است که من تاکنون با آن سر و کار داشته‌ام. چنین محدودیت‌هایی برای آمریکایی‌هایی که ده‌ها تن از پاکستانی‌های داوطلب خدمت سربازی برای آموزش‌های ویژه نزد آنها تعلیم می‌بینند، همواره وجود دارد. از ژانویه ۲۰۰۹ تاکنون هزار پیشاهنگ پاکستانی آموزش‌دیده برای کمک به ۵۸ هزار عضو شبه‌نظامی مناطق قبیله‌ای به مرزها فرستاده شدند.

آموزش نظامی تنها بخشی از این روابط چندشاخه است. در حال حاضر مبارزه با طالبان و القاعده اولویت اول آمریکا است. ایالات متحده، پاکستان را به گستره وسیع مجهز به سلاح‌های نظامی تبدیل می‌کند؛ نیروهایی با زیرکی جنگی بیشتر. بیش از ۱۰ میلیارد دلار برای گسترش نزدیک به ۱۵۰ هزار گروه سرباز

از سال ۲۰۰۱ در مناطق مرزی هزینه کرده است. تا تاریخ ۲۷ روتن ایالات متحده اولین جت جنگنده اف – ۱۶ را به پاکستان ارسال کرد. این اولین جت از سه جت جنگنده‌ای بود که از دهه ۱۹۹۰ قرار بود به پاکستان ارسال شود. آمریکا همچنین تیم‌دوچین خلبان آموزش‌دیده برای گشت‌زنی در شب و روز به مناطق مرزی پاکستان فرستاد.

واشنگتن تأکید کرده این نظامیان آموزش‌دیده جهت مقابله با طالبان در مناطق مرزی مورد استفاده قرار می‌گیرند اما از سوی دیگر این نیروها همانند زرادخانه بزرگی مقابل هند به شمار می‌روند.

پاکستان اصرار دارد در این میان به آموزش نیروهای ضدشورش نیز بپردازد اما واشنگتن اصرار دارد پاکستان بیشتر منابع مالی نظامی خود را به پرورش نیروهای ویژه جنگ‌های مرزی برای مقابله با طالبان و القاعده که به باور آمریکا دشمن اصلی پاکستان است، اختصاص دهد، و سعی می‌کند از تلاش نظامی پاکستان در برابر هند جلوگیری کند.

بخش عمده‌ای از آموزش‌ها حول محور بالا بردن اعتماد به نفس در میان پیشاهنگان جنگجویان مرزی است. برخی از آنان دارای خوشباندی با افراد طالبان هستند و بیشتران به زبان پشتو که همان زبان افراد طالبان است، حرف می‌زنند. طالبان با پیشاهنگانی که به آنها ملحق شوند با خوشرویی و سخاوتمندانه برخورد می‌کنند. تا چند سال پیش سپاه مرزی پاکستان به عنوان نیرویی فاسدی و فکایت به سرخه گرفته می‌شد اما با رهبری سرلشگر طارق‌خان حقوق آنها ۲۰۰ دلار در ماه یعنی تقریباً چهار برابر شد و تجهیزات جدیدی به مرزها ارسال شد. اما با این حال ژنرال طارق‌خان در مصاحبه‌ای گفت این تازه تسویه و شروعی برای بلوغ این نیروها است. برای پیشاهنگان مواجهه با چنین نبردهایی در شرایط کوهستانی این مناطق سخت است. سرهنگ احسن رضا می‌گوید: ما حداکثر یک یا دو سال در این مناطق و این شرایط بوده‌ایم اما طالبان ۲۰ سال است که در این مناطق تدارک جنگ می‌بینند. افسران پاکستانی می‌گویند تاکنون نیروهای ویژه تنها در عملیات‌های شبیه‌سازی‌شده به جنگ‌های طالبان جنگیده‌اند و این از واقعیت بسیار دور است. سیهید آصف یاسین ملک می‌گوید: این آموزش‌ها همانند یک کتاب درسی خوب است اما آموزش نهایی هنگامی است که روی زمین و مقابل گلوله‌های دشمن اتفاق بیفتد و تنها پس از اولین رویارویی نیروهای پاکستان با طالبان می‌توان گفت آموزش واقعی انجام شده است.

منبع: نیو یورک تایمز



سیلویو برلوسکونی را می‌توان موفق‌ترین سیاستمدار پوپولیست دوران مدرن نامید. البته تا زمانی که هنر جذاب سیاستمداران ایتالیا یعنی «رسیدن به شکم به جای مغز» امری عادی باشد.

روز جمعه ۹ ژوئیه، در ایتالیا روز پایکوت خبری بود. خبرنگاران و رسانه‌ها با خودداری از تولید خبر، به قانون جدید دولت برلوسکونی درباره رسانه‌ها و مقررات جدید مربوط به ششوند تلفنی اعتراض کردند. اتحادیه ملی خبرنگاران ایتالیا از رسانه‌ها خواسته بود با اعلام روز جمعه به عنوان «روز سکوت»، هر نوع فعالیت خبری خود را به حال تعلیق در آورند. براساس لایحه‌ای که دولت برلوسکونی برای تصویب به پارلمان ارائه داده، اختیارات دستگاه قضایی برای ششوند مکالمات تلفنی سیاستمداران و مقام‌های دولتی و انتشار محتویات این شوندها در رسانه‌ها محدود می‌شود. براساس لایحه یادشده، رسانه‌هایی که منبع خبر یا گزارش‌های آنها شنوده‌ای تلفنی یا نوارهای صوتی و تصویری مربوط به تحقیقات قضایی باشد، با مجازات تا دو ماه حبس و پرداخت بیش از ۴۴۴ هزار یورو جریمه روبه‌رو خواهند شد.

برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیا این لایحه را در خدمت حفظ حریم خصوصی شهروندان می‌داند، اما رسانه‌های معترضی می‌گویند این لایحه جلوی کنودکاو آنها در مورد شخصیت‌های سیاسی را می‌گیرد. روزنامه‌نگاران می‌گویند اقدام برلوسکونی حمایت از حریم خصوصی افراد نیست، بلکه حمایت از خلافکاری‌های مقام‌های دولتی و پنهان کردن این خلافکاری‌هاست.

اگنشت اتهام متفقان و معترضان به‌ویژه متوجه خود برلوسکونی است که به نظر آنها می‌خواهد از انتشار اطلاعاتی جلوگیری کند که ممکن است او را دچار دردسر سازد. البته این اتهام در مورد سیاستمداری چون برلوسکونی چندان هم دور از واقع به نظر نمی‌رسد، در تاریخ مدرن کمتر سیاستمداری را می‌توان یافت که به اندازه برلوسکونی رسوایی اخلاقی و مالی داشته باشد.

ماجراهای روابط او با زنان زیبارو، مدل‌ها و مانکن‌ها در بسیاری از نشریات ایتالیایی به رسانه‌های دیگر کشورها منتشر شده است؛ از نومی لتیزیای ۱۸ساله و دانش آموز مدرسه که حضور برلوسکونی در جشن تولد ۱۸سالگی وی با هدیه دادن یک گردنبند الماس شش هزار پورویی طلا همراه بود گرفته تا باربارا ماترا تنها زنی که نهایتاً نامش در حزب نخست‌وزیر ایتالیا باقی ماند؛ گرچه او بیشتر با عنوان دختر شایسته ایتالیا و برنامه‌های موفق تلویزیونی‌اش شناخته می‌شود و کمیلرا فراتی هنرپیشه ۲۰ساله که پس از جنجال‌های بسیار نامش از حزب نخست‌وزیر خط خورد و آنجلا سوزیو ۳۱ساله که دو سال پیش عکس غیراخلاقی او و برلوسکونی سر و

همواره تعداد بیشتری از مسیحیان عراق یا کشور خود را ترک کرده یا به شمال این کشور مهاجرت می‌کنند. شهر «عین کاوه» در نزدیکی اربیل، اکنون به مهم‌ترین مرکز تجمع مسیحیانی تبدیل شده که بعضاً خواستار خودمختاری هستند. عین کاوه با خانه‌های کوچک یک تا دوطبقه و باغ‌های کوچک لیمو، واقع در نزدیکی اربیل مرکز کردستان عراق، به تدریج به یکی از مهم‌ترین مراکز سکونت مسیحیان عراق تبدیل می‌شود. ویژگی این شهر، تعداد زیاد کلیساهای آن است. طرفداران تمام شاخه‌های کلیسای شرقی در این شهر کوچک گرد هم آمده‌اند.

عین کاوه در سال‌های اخیر به شدت رشد کرده است. پلاک خودروها نشان می‌دهد ساکنان شهر از کجا آمده‌اند؛ بغداد، بصره، موصل و جاهای دیگر. آنچه مسیحیان را به مهاجرت واداشته، عدم احساس امنیت در مناطق دیگر عراق است. «پتر بشیر وردا» مدیر سمینارهای واعظان کلیسای کاتولیک کلدانی و مسوول دبیرخانه «مدرسه عالی علوم دینی بابل» یکی از ساکنان جدید عین کاوه است. او می‌گوید: «تا پنج سال پیش، فقط دو هزار خانواده در عین کاوه زندگی می‌کردند. اما تعداد آنها اکنون به شش هزار خانوار رسیده است. زندگی در کنار هم، به مسیحیان احساس امنیت می‌دهد».

در دست نیست. «جامعه‌خلق‌های مورد تهدید» در آخرین سال‌های حکومت حزب بعث، تعداد مسیحیان عراق را ۶۵۰ هزار نفر برآورد کرده بود. برخی منابع می‌گویند نیمی از این مسیحیان تاکنون یا خاک عراق را ترک کرده و به سوریه، لبنان و غرب مهاجرت کرده‌اند یا در شمال عراق اقامت

جهان



برلوسکونی

شارلاتانیسم ایتالیایی

نزهت امیرآبادیان

صدای زیادی به پا کرده بود و مارا کارفاگنا مدل و دختر برتر ایتالیا، از آنجا که هرگز عکسی مستهجن نداشته، به عنوان وزیر «فرصت‌های برابر» در دولت ایتالیا انتخاب شد، تا النورا و اما دویوو دوقلوهای ۲۷ساله‌ای که در شبکه‌های تلویزیونی برلوسکونی بسیار مشهور شده‌اند و موقعیت‌های زیادی در اختیارشان قرار داده شد.

رسوایی‌های برلوسکونی حتی باعث واکنش سیاستمداران نیز شده است. سال گذشته زمانی که روسای جمهور و نخست‌وزیران کشورهای عضو گروه ۲۰ در آمریکا با یکدیگر ملاقات می‌کردند، پس از آنکه مقامات گروه ۲۰ با همسر اوباما دست دادند و با وی روبرویی کردند، سیلویو برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیا نیز

نزدیک اوباما شد، قصد داشت با همسر رئیس‌جمهور آمریکا نیز دیدهبوسی کند که با عکس‌العمل وی روبه‌رو شد و میشل اوباما نیز سعی کرد برلوسکونی را دور از خود نگه دارد و به دست دادن با او کفایت کند. این صحنه مورد توجه گسترده عکاسان و خبرنگاران قرار گرفت. او سه دوره است که نخست‌وزیر ایتالیاست. از مه سال ۱۹۹۴ تاکنون بزرگ‌ترین توانایی وقابلیت برلوسکونی را می‌توان تسلط بر رسانه‌ها دانست که مسلماً این قابلیت ارتباطی مستقیم با میزان درایی‌های هنگفت او دارد.برلوسکونی ثروتمندترین شخصیت سیاسی جهان است. او

مالک باشگاه آتمیلان است و ثروتش به ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد. با این ثروت برلوسکونی ثروتمندترین مرد ایتالیا و بیست و پنجمین نفر در جهان است. او همچنین مالک امپراتوری بزرگ رسانه‌ای در ایتالیا است و از این بابت بسیاری او را رقیب روبرت مرداک غول رسانه‌ای جهان می‌دانند. این دو مدت‌هاست که بر سر مسائل رسانه‌ای با هم درگیری و تنش دارند. برلوسکونی مرد تلویزیون است و اینترنت برای او خطرناک است زیرا غیرقابل کنترل و خارج از فرمانروایی امپراتوری اوست.

اما آیا می‌توان گفت که ایتالیا کشوری نرمال است؟ آیا گزیده‌اند. عزیز الزباری استاد رشته تعلیم و تربیت دانشگاه اربیل هم پنج سال پیش مجبور شد شهر خود، موصل، را ترک کند و در عین کاوه اقامت گزینند. او می‌گوید: «من به چشم خودم دیدم که طرف سه روز ۳۰۰ خانواده مسیحی از موصل رانده شدند. افراد ماسک‌دار، بلندگو به دست در خیابان‌ها حرکت می‌کردند و فریاد می‌زدند: «فکار، کم شوید». این تجربه تلخ سبب شده است استاد دانشگاه اربیل از ایجاد یک منطقه خودگردان برای مسیحیان عراق حمایت کند. به عقیده او، تنها یک منطقه خودگردان است

که می‌تواند موجودیت مسیحیان عراق را در داخل کشور خودشان تضمین کند. عزیز الزباری عضو «شورای مسیحیان کلدانی، سوری و آسوری» است. این شورا که عملکردی شبیه یک حزب سیاسی دارد، در سال ۲۰۰۷ بنیانگذاری شد و به حزب دموکرات کردستان عراق نزدیک است. بنیانگذار اصلی این حزب سرکیس آقایان است که چندین سال وزیر اقتصاد و دارایی دولت کردستان در اربیل بود.

شورای مسیحیان کلدانی، سوری و آسوری هم در مجلس ملی عراق نماینده دارد و هم در مجلس کردستان،

مسیحیان عراق در جست‌وجوی پناهگاه

که می‌تواند موجودیت مسیحیان عراق را در داخل کشور خودشان تضمین کند. عزیز الزباری عضو «شورای مسیحیان کلدانی، سوری و آسوری» است. این شورا که عملکردی شبیه یک حزب سیاسی دارد، در سال ۲۰۰۷ بنیانگذاری شد و به حزب دموکرات کردستان عراق نزدیک است. بنیانگذار اصلی این حزب سرکیس آقایان است که چندین سال وزیر اقتصاد و دارایی دولت کردستان در اربیل بود. شورای مسیحیان کلدانی، سوری و آسوری هم در مجلس ملی عراق نماینده دارد و هم در مجلس کردستان،



◻گزارش

زنی که نمی‌خواهد رئیس‌جمهور سابق باشد

گلوریا مکاپاگال آروبو اخیراً پس از ۹ سال، سمت ریاست‌جمهوری فیلیپین را به بنینو آکینو رئیس‌جمهور جدید این کشور واگذار کرد.پس از این مدت طولانی‌ای که او سکندار کنشورش بوده، ممکن است طبیعی به نظر آید که او همان کاری را بکند که دیگر رهبران سابق انجام داده‌اند؛ یعنی سخنرانی‌ها پس از مهمانی‌های شام، انتشار کتاب خاطرات سیاسی و گذراندن وقت با خانواده، اما برای اولین بار در تاریخ فیلیپین، رئیس‌جمهوری که کرسی خود را ترک می‌کند، بناست مقامی را قبول کند که مشخصاً نوعی تنزل رتبه به حساب می‌آید، آروبو عضو کنگره خواهد شد. در ماه‌های پیش از انتخابات، بازار شایعه در مورد علت این کار داغ بود. آیا او فکر می‌کند برابر با نص قانون اساسی، این امر او را قادر می‌سازد قدرت گذشته‌اش را به نوعی حفظ کند؟ منتقدانش می‌گویند تلاش او برای ورود به مجلس، نقطه اولیه برنامه سیاسی اوست. داشتن مقامی در کنگره او را تبدیل به یک کاندیدای ممتاز برای ریاست کنگره می‌کند و او از آنجا قادر خواهد بود نسبت به اصلاح سیستم سیاسی کشور و تبدیل آن از یک ساختار مبتنی بر ریاست‌جمهوری به یک مدل مکی بر پارلمان اقدام کند. این کار جایگاهی جدید تحت عنوان «نخست‌وزیر» ایجاد می‌کند؛ جایگاهی که در صورت تحقق همان چیزی خواهد بود که او به دنبالش است. رومان کاسیپیل مدیر اجرایی موسسه «اصلاحات سیاسی و انتخاباتی» می‌گوید: «به گمان من این همان چیزی است که او قصد گذشته‌اش را داشته، این هدف غایی او بوده. حزب تحت رهبری او سال‌ها برای تغییر دادن سیستم تلاش کرده است.»

اما بنا به گفته کاسیپیل، همه چیز پس از مرگ کورازون آکینو رئیس‌جمهور محبوب پیشین در سال گذشته تغییر کرد. چندی پیش، بنینو آکینو پسر کورازون آکینو که به «وی‌نوی» معروف است، اعلام کرد تصمیم دارد وارد رقابت‌های انتخاباتی برای تصدی سمت ریاست‌جمهوری شود. به گفته کاسیپیل، پس از پیروزی او در انتخابات ماه مه دیگر صحبتی از اصلاحات به میان نیامده است. محبوبیت آکینو همچنین منجر به کم شدن حمایت اعضای کنگره از آروبو شده؛ حمایتی که وی به آن دل بسته بود. همکاران سابق او به محض اینکه احساس کردند او در حال از دست دادن قدرتش است، به وی پشت کردند.

اتلاف دموکرات‌های مسیحی و مسلمان تحت رهبری آروبو ۱۰۸ کرسی کنگره را از آن خود کرده‌اند، در حالی که حزب لیبرال آکینو تنها ۴۵ کرسی را به دست آورد، بنابراین، این مجلس از نظر تئوری پر از متحدان آروبو است. با این وجود، وزن احزاب سیاسی فیلیپین در مقایسه با خصوصیات شخصی افراد، تقریباً به حساب نمی‌آید و از زمان انتخابات تاکنون بیش از ۷۰ عضو از متحدان آروبو به اردوگاه آکینو پیوسته‌اند. پروفیسور بنیتو لیم استاد علوم سیاسی دانشگاه «آتنتو» مانیل می‌گوید: اینده سیاستمداران تمایل به جانبداری از برنده انتخابات دارند، زیرا در نهایت این برنده است که بودجه را در دست دارد. اگر آروبو نتواند دوباره قدرت را به چنگ بیاورد به چه علت هنوز تمایل به ماندن در کنگره دارد؟ پاسخ بلندفازانه این سوال این است که او می‌خواهد شاهد به بار نشستن سیاستگذاری‌هایش باشد. پاسخ ناهم‌رسانه دیگری که در رسانه‌ها تکرار می‌شود این است که او برای موضوع ماندن از پیگرد قانونی می‌خواهد تا جایی که ممکن است، از حاشیه امن برخوردار باشد. یکی از شعارهای اساسی آکینو در مبارزات انتخاباتی‌اش مبارزه با فساد بود؛ مبارزه‌ای که شامل معاملات اقتصادی اعضای دولت سابق نیز می‌شد. آروبو همواره به تندی ادعاهای مبنی بر سوءاستفاده از قدرت را رد کرده ولی هنگامی که چند هفته پیش از آکینو پرسیدم آیا جای نگرانی برای سلف او وجود دارد، وی در یک پاسخ ساده گفت: بله. اگر نتایج نظرسنجی‌ها پذیرفتنی باشد، آروبو در حالی دفترش را ترک کرد که با داشتن فقط ۱۴ درصد مقبولیت عمومی، یکی از کم‌طرفدارترین روسای جمهور تاریخ فیلیپین است.

البته در سال ۲۰۰۱، هنگامی که او پس از برکناری جورج استرادا و در پی وقوع دومین انقلاب «قدرت خلقی» در کشور به قدرت رسید، اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. او دارای همه آنچه بود که استرادا به عنوان یک هنرپیشه سابق سینما با سابقه مشروب‌خواری و خیانت در زناشویی فاقد آن بود. او در هیئت فردی صبور و متین، یک اقتصاددان تحصیلکرده ایالات متحده و دختر دیوداسا مکاپاگال، رئیس‌جمهور سابق، قول داد اما طی سالیان، اتهاماتی مبنی بر تقلب، به خصوص آنهایی که پس از پیروزی مناقشه‌انگیز او در انتخابات ۲۰۰۴ مطرح شد، از او فردی ترش‌ساخت. همچنین ادعاهایی مبنی بر نقض حقوق بشر در جریان تلاش او در سرکوبی گروه‌های متعدد شورشی وجود دارد. یکی از نادر صداهایی که هنوز در مقام دفاع از آروبو به گوش می‌رسد، متعلق به پروفسور گونزالا جورادو استاد اقتصاد او در دانشگاه فیلیپین است.

او می‌گوید: «آروبو در مورد به سرانجام رساندن پروژه‌ها بسیار موفق بوده است. او بزرگراه‌های چشم‌نواز زیادی احداث کرده، همچنین فروشگاه‌ها، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و سیستم‌های حمل‌ونقل؛ عملکرد او در این زمینه درخشان بوده. مشکلاتی نظیر فقر عمومی که او تلاش داشت آن را کاهش دهد، مشکلاتی بودند که به او ارث رسیده بودند.» پروفیسور جورادو بر سر این عقیده است که تاریخ در مورد آروبو بسیار بهتر از آنچه وی امروزه با آن روبه‌روست، قضاوت خواهد کرد. او می‌گوید: «بی‌هیچ شکنی، تنها طی چند سال آینده مردم خواهند گفت که در مورد او با بی‌انصافی قضاوت شده است.» او ممکن است درست بگوید.

منبع: بی‌بی‌سی

منبع: دوپچه‌وله